

بازخوانی اندیشه‌ها

فقدان صداقت و عقب‌ماندگی

چکیده‌ای از یادداشت دکتر شریف لک‌زایی

در باب علل ضعف در جوامع اسلامی

از منظر امام‌موسی صدر

آنچه در ادامه از نظر می‌گذرد بخش مهمی از یادداشت دکتر شریف لک‌زایی، دانشسپار گروه فلسفه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی پیرامون بررسی علل ضعف و عقب‌ماندگی تمدن و جامعه اسلامی از منظر امام‌موسی صدر است.



چرایی افول تمدن اسلامی از جمله پرشش‌های بسیار مهمی است که همواره طرح شده است. به‌ویژه اینکه متفکران مسلمان برای پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی درصدد بودند جست‌وجو درباره علل و عوامل افول تمدن اسلامی، به تجدید تمدن اسلامی بپردازند. امام موسی صدر در میان متفکران مسلمان معاصر از کسانی است که در این زمینه به تامل پرداخته و برای پرشش از عقب‌ماندگی، پاسخ‌هایی مطرح می‌کند. این فراز و فرودها دالایی دارد.

امام موسی صدر –بعنوان متفکری که دغدغه تمدنی دارد و در تلاش برای احیا و بازسازی تمدن اسلامی است– به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در این زمینه اظهارنظر کرده است. به‌ویژه اینکه ۴گفتار میسبوت درباره علل عقب‌ماندگی مسلمانان و چگونگی غلبه بر آن در جمع جوانان لبنانی ایراد کرده و به تفصیل به پرشش‌های آنان پاسخ داده است. درواقع ایشان باطرح این بحث، این مفروض را پذیرفته است که جوامع اسلامی واجد تمدن پیشرفته‌ای بوده‌اند اما این تمدن به دلایلی دچار ضعف شده و هم‌اکنون در وضع ضعف و عقب‌ماندگی به‌سری‌برند و از کاروان پیشرفت علمی و مادی عقب مانده‌اند.

در بررسی این مسئله، شاید بتوان به‌طور کلی از ۲عامل درونی و بیرونی نام برد اما به‌نظر می‌رسد صدر، عمده نقش و دلایل را به عوامل درونی در تغییر و تبدیل جامعه اسلامی و انحراف جامعه اسلامی ارجاع می‌دهد و بر این نظر است که هرگاه جامعه اسلامی بروز و ظهور یابد، می‌توان امیدوار بود تمدن اسلامی مجدداً احیا شود. تحول درونی افراد و تحقق جامعه اسلامی، شرط احیا و تحقق تمدن اسلامی است. از این‌رو عناصر درونی متنوعی شامل سیاسی و اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی در این زمینه دخیل بوده‌است که باید مورد‌بازنگری قرار گیرد. در ادامه به اختصار تنها به یکی از دلایل بروز عقب‌ماندگی و ضعف تمدنی جوامع اسلامی، یعنی «فقدان صداقت» اشاره می‌شود.

در نگاه صدر، فقدان صداقت و انفکاک میان نظر و عمل در جوامع اسلامی یکی از دلایل عقب‌ماندگی است. درواقع و منظر وی جامعه اسلامی از صدق وعده و صدق عمل به گفتار تهی شده است. این موضوع نکته مهمی است که باعث پیدایش اثرات مخربی در جامعه می‌شود و همبستگی جامعه را از درون مضحمل می‌سازد. از این‌رو هنگامی که صداقت در گفتار و صداقت در اعمال و عمل به وعده وجود نداشته باشد، جامعه به سمت فروپاشی و ضعف و عقب‌ماندگی حرکت می‌کند. درواقع عمل نکردن به وعده‌ها و شعارها و گفتارها باعث از هم فروپاشی همبستگی جامعه می‌شود. به تعبیر صدر، مسلمانان با «صدق» و «اخلاص» عمل می‌کردند اما این دواصل را رها کردند.

از سویی مردم وی از صدق نیز صرفاً صدق در کلام نیست بلکه ایشان «صدق در وعده و صدق در بیان و صدق در کار» (گام به گام با امام: مجموعه گفتارها و مصاحبه‌ها و مقالات سیدموسی صدر، ج ۲، ص ۲۴۸) را هم مراد می‌کند. صدر تلاش کرده این مسئله را واکاوی کند و بر این نظر است که مشکل امروز مسلمانان این است که سخن در ست و استوار نمی‌گویند، درحالی‌که «سخن درست» جامعه را به سمت «عمل درست» هدایت می‌کند و به عمل درست می‌رساند. طبیعتاً وقتی در سخن صدق نباشد، در عمل نیز صدقی مشاهده نمی‌شود و جامعه از هم فرو می‌پاشد. صدر تصریح می‌کند: «صدق در مرحله عمل و صدق در مرحله سخن،

منبع همه خیرات است.» (همان، ص ۲۴۹)

به‌نظر می‌رسد صدر در اینجا به نکته بسیار مهمی تأکید می‌کند؛ زیرا از منظر وی «صداقت» منبع همه خیرات و فضایل است که واجد جنبه عمومی و اجتماعی است. طبیعی است وقتی صداقت از جامعه‌ای رخت بندد به‌معنای آن است که «جنبه همه خیرات» هم آسیب دیده‌است که در نتیجه آن، جامعه از خیرات عمومی محروم می‌شود. این مسئله قبل از آنکه یک مسئله مادی و اقتصادی باشد یک مسئله اخلاقی و فرهنگی است. اگر در جامعه‌ای قرار باشد صداقت واجد ارزش و معیار تعامل و دادوستد باشد، چنین جامعه‌ای به منبئی از خیرات تبدیل می‌شود که می‌تواند مشکلات ریز و درشت خود را حل و فصل کند. درواقع، حضور صداقت در جامعه به‌معنای فقدان کذب در آن جامعه است. بنابراین رفتارهای اجتماعی نیز اخلاقی‌تر خواهد بود.

این مسئله از سوی دیگر نشان می‌دهد اساس روابط و تعاملات اجتماعی و حرکت به سمت پیشرفت و تمدن نوین اسلامی، قبل از اینکه بر رفتارهای مناسکی و فقهی استوار باشد باید بر رفتارهای انسانی و اخلاقی استوار باشد که از وجه عمومی‌تری نسبت به فقه و مناسک عبادی دینی بر‌خوردار است. از این منظر، مشکل «عقب‌ماندگی» و «ضعف تمدنی جوامع اسلامی» بیش از هر چیز، یک مشکل اخلاقی و فرهنگی است. از نظر صدر، معیار همگرایی و ابزار همکاری و گفت‌وگو، «کلمه» است؛ زیرا این عامل باعث شد مسلمانان عقب بمانند و جامعه اسلامی را از دست بدهند و تمدن آنان از پیشرفت و تداوم باز ماند. به تعبیر ایشان در فقدان صداقت، بنای جامعه لرزان و دروغین خواهد شد. از این‌رو «صدق در کلام از پایه‌های اصلاح جامعه است.» (همان، ص ۲۴۹)

اندیشه اسلامی

موضوع وحدت یکی از دغدغه‌ها و به بیان بهتر یکی از مسئله‌های مهم در جهان اسلام بوده و هست. از آنجا که درصورت فقدان وحدت، آسیب‌های جدی و عمیق و مهمی دامنگیر تمام جوامع اسلامی شده و بالتبع موجب پدنا‌می دین اسلام می‌شود، اندیشمندان و بزرگان جهان اسلام در ادوار مختلف تلاش خود را در راستای یافتن پاسخی درست و اجرایی برای مسئله وحدت به کار گرفته‌اند. این تلاش‌ها منجر به شکل‌گیری انواع گفتمان‌ها و جریان‌ها و بروز ایده‌های متعدد شده است که مر حوم دکتر داود فیر حی، پژوهشگر علوم سیاسی و اندیشه سیاسی اسلام در هما‌یش «همگرایی و واگرایی در جهان اسلام» در دانشگاه فردوسی مشهد توضیحی اجمالی از آنها ارائه کرد و در پایان نظر امام موسی صدر را به‌عنوان یکی از راه‌گشای‌ترین ایده‌ها در حل مسئله وحدت انتخاب و تبیین کرد. نوشتار پیش‌رو گزارشی مختصر از گفته‌های مر حوم فیر حی است که به‌طور ویژه برای این روزها مفید خواهد بود.

بازاندیشی پیرامون مفهوم وحدت

مفهوم وحدت در جهان اسلام به بازاندیشی نیاز دارد و راه طی‌شده را باید سنجید. طرفداران وحدت در جهان اسلام علت عقب‌افتادی جامعه مسلمانان را متفرق‌بودن آنان می‌دانند. از این رو، وحدت از دیدگاه آنان به‌معنای غلبه بر عقب‌افتادگی است. این استدلال در عمل با دشواری‌هایی مواجه شده و گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که بسیاری از خشونت‌طلبان در جهان اسلام خشونت را با تکیه بر ضرورت وحدت آغاز کرده‌اند. وقتی از وحدت سخن به میان می‌آید، این پرسش مطرح می‌شود که وحدت در حول چه چیزی و بر چه مبنایی با پذیرش چه مرجعیتی باید صورت گیرد. تاکنون در پاسخ به این پرسش چند راه‌حل پیشنهاد شده که به‌نظر می‌رسد اکثر آنها موفق بوده است.

اندیشه نیکان

متن حاضر حاوی بخش‌های مهمی است از اندیشه‌های امام‌موسی صدر که پیرامون آزادی و اختلاف نظر و اختلاف عقیده در یک سخنرانی ایراد شده است. در وضعیت کنونی که نیازمند طرح مباحث مبنایی پیرامون آزادی و اختلافات هستیم،

مرور این اندیشه‌های اسلامی ضرورت دارد:

در نزد پیامبران رسیدن به هدف بر اندازه شریف باشد، شرط اصلی پیروزی نیست، بلکه آنچه مطلوب است، سعی و تلاش برای رسیدن به هدف است. بنابراین، در راهی که انبیا ترسیم کرده‌اند شکست و یا اشتباه معنا ندارد، بر گامی در این راه عبادت است و هر عملی تسبیح و برای هر نیرویی اعم از نیروی ظاهری و باطنی پاداش و در هر نتیجه‌ای همه مشارکت دارند. انبیا با این روش انسان‌ها را به‌گونه‌ای بسیج کردند که

در تاریخ بشری بی‌نظیر بوده و از انسان‌ها قدرت بزرگی که نمونه نداشته است، خلق کردند و فضایی مناسب برای ابراز توانایی‌های متفاوت مردم ایجاد کردند تا زمین‌های برای تعامل این نیروها باشد. آنان ندای آزادی انسان سر دادند، آزادی از بندگی انسان‌های دیگر، آزادی از بندگی اشیا، آزادی از هوای نفس. آزادی در دیدگاه انبیا مطلق است و حد و حدودی ندارد. آزادی‌ای که با آزادی دیگران در تنافی و تعارض باشد، آزادی نیست، چون این آزادی اطاعت و عبادت هوای نفس است. کسی که از هوای نفس خویش آزاد و رهاست، آزادی وی با آزادی دیگران تعارضی نخواهد داشت. پیامبران این برنامه را ارائه کرده و رسالت خویش را انجام دادند و اعلام کردند که تفاوت در خلقت و اندیشه و استعدادها و دین باید در راه سعادت و مصلحت انسان باشد و وسیله رقابت در حرکت به‌سوی برتری.

اندیشه



تعدد فهم از وحدت و تشدید تفرقه

مروری بر سخنرانی مرحوم فیرحی در نقد ایده‌های وحدت‌بخش و تقریری از نظر امام‌موسی صدر



پیوندند یا کافر هستند نیز به این نظریه شباهت دارد.

۵. تقریب بین مذاهب

تقریب بین مذاهب رویکرد دیگری است که مرحوم شیخ محمود شلتوت، رئیس اسبق الازهر مصر و مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی مرع تقلید وقت شیعیان برای رسیدن به وحدت اسلامی پیگیری کردند طبق این نظریه‌فقه‌های متفاوت در کشورهای اسلامی به رسمیت شناخته می‌شود. به‌طور مثال در ایران، پیروان مذاهب چهار گانه اهل سنت یعنی حنبلی، شافعی، حنفی و مالکی و در مصر شیعیان زیدی و امامی می‌توانند طبق مذهب خود ارائه عمل کنند. این نظریه از دوران تولد خود حتی یک گام هم جلو نرفته است؛ بلکه تلفاتی نیز داده که آخرین آن شهادت مر حوم شحاته، روحانی شیعه مصری، در آن کشور به‌دست افراطیون اهل سنت بود.

۶. رهبری فرهنگی یا ایدئولوژیک جهان اسلام

رهبری فرهنگی یا ایدئولوژیک جهان اسلام، ایده دیگری بود که در این‌خصوص مطرح و در بدو امر با این مشکل مواجه شد که این رهبری بر عهده چه کشوری باشد، تمامی مدعیان این رهبری از ایران، ترکیه، عربستان و مصر خود را لایق رهبری می‌دانستند و می‌داندند و بر این اساس، درگیری‌هایی نیز بیسن قطب‌های رهبری جهان اسلام پدیدار شد.

عده‌ای نیز با طرح ایده کنفرانس سران کشورهای اسلامی به سراغ مدل پیمان‌های مشترک که همچون اتحادیه اروپا و یا حتی مدل سازمان ملل اسلامی گرایش پیدا کردند؛ به این معنا که جهان اسلام با حفظ دولت‌های متفاوت به وحدت یونی، حذف گذرنامه و یا شناسنامه واحد برای شهروندان این

آزادی و اختلاف عقیده از منظر امام موسی صدر

قرآن نیز می‌فرماید: ﴿لَا الدِّینَ أَمَنُوا وَ الَّذِینَ هَادُواْ وَ الصَّابِئُونَ وَ النَّصَارَی مِنْ أَمَنَ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لَا هُمْ یَحْزَنُونَ﴾. پیام غلطیه در عهد جدید نیز این است: یهودی و یونانی، بنده و آزاد، مرد و زن نداریم، زیرا همه شما در مسیح یکی هستید. پس اگر شما برای مسیح باشید، در این هنگام، از نسل ابراهیم و وارثان وی خواهید بود.

سبحان‌الله! این سخن چقدر به قرآن شبیه است: «وَ جَاهِدُواْ فی الله حتی یجَاهِدَ هَؤُلاَ حَتَّابِکُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَیکُمْ فی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ مَّلهِ ابِیکُمْ اِبرَاهِیمَ هُوَ سَمَّاکُمُ الْمُسْلِمِینَ مِنْ قَبْلِ وَ فِی هَذَا لَیْکُنَ الرَّسُولُ شَهِیدًا عَلَیکُمْ وَ تَكُونُواْ شَهِدَاءَ عَلَی النَّاسِ فَأَقِیمُواْ الصَّلَاةَ وَ آتُواْ الزَّکوةَ وَ اعْتَصِمُواْ بِاللّهِ هُوَ مَوْلَاکُمْ فَبِعَیْنِ الْمَوْلِ وَ نَعَمِ النَّصِیرِ»

آری! پیامبران این برنامه آشکار را ترسیم کردند و از مردم



به‌سوی پروردگار باز گردد.

اندیشه راهبر

قلمرو آزادی در گفتمان انقلاب اسلامی

رهبر معظم انقلاب: در باب مفهوم آزادی، ما باید استقلال را – که شعار دیگر ماست – به‌کار گیریم؛ یعنی مستقل فکر کنیم؛ تقلیدی و تبعی فکر نکنیم. اگر در این مسئله که پایه بسیاری از مسائل و پیشرفت‌های ماست، بنا شد از دیگران تقلید کنیم و چشم‌های‌مان را فقط روی درپچه‌ای که تفکرات غربی را به ما می‌دهد، باز کنیم، خطای بزرگی مرتکب شده‌ایم و نتیجه تلاخی در اختیار خواهد بود. مسئله «آزادی» یکی از مقولاتی است که در قرآن کریم و در کلمات ائمه‌علیهم‌السلام به‌طور موکد و مکرر روی آن تأکید شده است. البته تعبیری که در اینجا از آزادی می‌کنیم، مرادمان آزادی مطلق نیست که هیچ طرفداری در دنیا ندارد. فکر نمی‌کنم کسی در دنیا باشد که به آزادی مطلق دعوت کند. مرادمان آزادی معنوی هم که در اسلام و به‌خصوص در سطوح راقی معارف اسلامی هست، نیست؛ آن محل بحث ما نیست. آزادی معنوی چیزی است که همه کسانی که معتقد به معنویتند، آن را قبول دارند؛ محل رد و قبول نیست. منظور از «آزادی» که در اینجا بحث می‌کنیم «آزادی اجتماعی» است؛ آزادی به مثابه یک حق انسانی برای اندیشیدن، گفتن، انتخاب کردن و از این قبیل. همین مقوله، در کتاب و سنت مورد تجلیل قرار گرفته است. آیه شریفه ۱۵۷ سوره «اعراف» می‌فرماید: «الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَ الْاُمِّیَ الَّذِیْ یُحَدِّثُہُمْ مَّکْتُوبًا عِنْدَہُمْ فِی التَّوْرِیْہِ وَالتَّانِجِیْلِ بَاہِمَہُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْہَاہُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ یُحِلُّ لَہُمْ الطَّیِّبَاتِ وَ یَحْزِمُ عَلَیْہِہِ الخَبَائِثَ وَ یُبَیِّنُ عَنِہُمْ اَصْرَہُمْ وَ الْاَغْلَالَ الَّتِیْ کَانَتْ عَلَیْہِمْ». خداوند یکی از خصوصیات پیامبر را این قرار می‌دهد که غل و زنجیر‌ها را از گردن انسان‌ها برمی‌دارد و «اصر» یعنی تعهدات تحمیلی بر انسان‌ها را از آنها می‌گیرد. مفهوم خیلی عجیب و وسیعی است. اگر وضع جوامع دینی و غیردینی در آن دوره را در نظر داشته باشیم، می‌دانید که این «-» -این تعهدات و پیمان‌های تحمیلی بر انسان‌ها – شامل بسیاری از عقاید باطل و خرافی و بسیاری از قیود اجتماعی غلطی که دست‌های استبداد یا تحریف یا تحقیر بر مردم تحمیل کرده بود، می‌شود. «اغلال» هم که غل و زنجیر‌هاست، معلوم است.

منبع: بیانات معظم‌له در مراسم فارغ التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

معرفی کتاب

تأدیب غضب، خوف و رجاء

عنوان «تأدیب غضب؛ خوف و رجاء» سومین جلد از مجموعه «اخلاق ربانی» اثری است مشتمل بر آموزه‌های «آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی» که در آن با نگاهی نو، مجتهدانه به متون اسلامی و مشارکت عقل سلیم در فهم گزاره‌های دینی به بررسی مباحث اخلاقی پرداخته شده است. این کتاب ۱۸ جلد از مباحث معظم‌له در محبت «تأدیب غضب؛ خوف و رجاء» با عناوینی مطرح شده است که برخی از آنها عبارتند از: در باب قوای نفسانی انسان –انواع قوا در انسان، ارزش و کارکرد نیروی خشم – ارزشگذاری از جامعه به متون اسلامی، جایگاه بحث خوف در قوه غضبیه –معنای خوف، تالم از مرگ به‌خاطر بیم از نیستی –تالم مرگ به‌خاطر بیم از نقصان، رابطه بیم و امید با حکمت در رابطه بیم و امید با عمل انسان، شناخت و عملی و احکامات خود متّهم به تغییر مذهب می‌شوند.
ایده امام موسی صدر برای تقریب
در این میان امام موسی صدر ایده خیلی مهمی را مطرح کرده است. ایشان می‌گوید که به جای اینکه مذاهب از اعتقادات خود کوتاه بیایند یا دست بردارند یا به جای اینکه به عرصه رد و قبول اعتقادات یکدیگر بیفتند، بهتر آن است که وارد میدان مسباقی اِجابی شوند. ببینیم کدام مذهب به انسان، آزادی، رفاه، رفیع‌بیماری و کاهش الام و دردهایش پاسخ می‌دهد و به او کمک می‌کند. در اندیشه امام موسی صدر اگر به جای سنی یا شیعه فقیر، سنی یا شیعه ثروتمند، سالم، بانشاط و قوی ایجاد شود، دیگر به خشونت نیز متوسل نخواهد شد و این نوعی فرقه‌گرایی مثبت است.

اندیشه مسطور

باید از گروه‌های بالا و خواص شروع کرد!

مرحوم آیت‌الله خوش‌نقوت: «ضعف ایمان معلول گناه کردن و عدم‌پای‌بندی عملی به اسلام است. کسی که از آزادی خود سوءاستفاده می‌کند و مرتکب گناه می‌شود، خود را در وضعیت خطرناک قرار می‌دهد و دچار ضعف ایمان می‌شود. هر یک گناهی که انجام شود، ایمان را پایین می‌آورد، اما هر اعات قانون اسلام، ایمان را بالا می‌برد. برای اینکه ایمان مردم بالا برود، ابتدا باید احکام اسلام را در جامعه غفلت‌خیز، کار خردمندانه درست می‌شود. تا زمانی که احکام اسلامی در جامعه پیاده نشود و ایمان مردم ضعیف بماند، رشوه می‌گیرند یا نماز نمی‌خوانند یا هر کار بدی را ممکن است. مردم را از کار خردمندانه و نیمی‌گذازد که کار مردم به این زمین برساند. حالا ایمان چگونه درست می‌شود؟ با ادامه تقوا. تنها راه افزایش ایمان، عمل به قانون الهی است. اگر واجبات را انجام دهیم و محرمات را انجام ندهیم، همین کار ایمان ما را بالا می‌برد. اگر تقوانداشیم، ایمانمان پایین می‌آید. به‌تدریج وقتی هم که آن ایمان مرحله اول، که هر عقلی می‌پذیرد که خداست از بین‌رفت، کم‌کم آدم به فکر گرایش پیدا می‌کند و بعد به سرحد کفر می‌رسد. خاصیت گناه این است که ایمان را پایین می‌آورد، ایمان که کم شد، انسان به سمت دنیا و گناه سوق پیدا می‌کند. کسی می‌تواند از این مشکل در امان بماند که اهل تقوا و دوری از گناه باشد.»